

# وضعیت آموزش زبان فارسی در مغرب

احمد موسی

(دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی - تهران)

زبان یکی از راه‌های آشنایی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های ملل دیگر، و پلی برای برقرار کردن تفاهم و صلح بین ملت‌های است که به محبت و صلح و دوستی گرایش دارند. پس نقش زبان در ایجاد تفاهمی که همکاری مشترک بین ملل جهان و بویژه جهان عربی و اسلامی را تحقق می‌بخشد، حایز اهمیت فراوان است. به این سبب دانشگاه‌هایی در نقاط مختلف جهان بخش‌های زبان‌های خارجی تأسیس کرده‌اند تا بتوانند با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و علوم و معارف و رسوم و عادات اقوام و جامعه‌های دیگر در سراسر دنیا آشنایی داشته باشند. علاوه بر این پایه‌گذاری این بخش‌ها، ترجمه منابع و مصادر و کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف را میسر می‌سازد، و نیز دریچه و ابزاری برای تفاهم و گفت‌وگو به حساب می‌آید.

ایرانی‌ها به تازگی با زبان عربی آشنا نشده‌اند، و درس عربی در مدارس ایران درس تازه‌ای نیست، بی‌تردید دانشمندان ایرانی از آغاز ظهور اسلام توجه فراوانی به این زبان داشته‌اند و در راه شناخت همه مسائل آن از قبیل علوم ادبی و فنون تلاش نموده‌اند، و زبان عربی در مراکز و حوزه‌های دینی و علمی ایرانی در دوره‌های مختلف یکی از زبان‌های اساسی و اصلی بوده است، و امروز نیز در مراکز و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

گفتنی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل شانزدهم بر آموزش زبان عربی در همه مراحل تأکید می‌کند، زیرا که زبان عربی پلی برای محبت و دوستی و تفاهم و گفت و گوی سازنده قلمداد می‌شود.

در مقابل، زبان فارسی هم نه تنها در کشورهای عربی و اسلامی بلکه در بسیاری از کشورهای غیراسلامی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود. و کشور مغرب یکی از این سرزمین‌هاست که آغوش به روی زبان دلنشین فارسی گشوده است. در این نوشته کوتاه سعی نگارنده این سطور بر این خواهد بود که نگاهی اگرچه گذرا اما مفید به وضعیت تدریس این زبان در مغرب بیفکند، و اشتیاق دانشجویان مغربی را به زبان فارسی تا حد توان بیان کند.

کشور مغرب با مساحت  $720/000$  کیلومتر مربع، در گوشه شمال غربی قاره آفریقا قرار گرفته است و اقیانوس اطلس مرز غربی این کشور را تشکیل می‌دهد. مغرب از شمال به دریای مدیترانه متصل است. در قسمت شرق و جنوب شرقی با الجزایر هم مرز است، و از جنوب به کشور موریتانی محدود می‌شود.

مغرب جمعیتی قریب به بیست و هشت میلیون و دویست و شصت هزار نفر را (میزان تخمین زده شده در سال ۱۹۹۵ م) در خود جای داده که بیش از ۹۸٪ آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و بقیه را اقلیت‌های یهودی و مسیحی.

بربرها مردم بومی مغرب هستند، و اکثریت (۴۰٪) مغربی‌های فعلی بربر اصیل هستند و ۳۵٪ دیگر مخلوط بربر و نژادهای دیگرند.

عرب‌ها که در قرن هفتم بعد از میلاد، پس از ورود سپاه اسلام به مغرب، در آن جا ساکن شدند، دومین گروه بزرگ در این کشورند و بیشتر در مناطق شهری ساکن هستند، اقلیت کوچکی از سیاهان آفریقایی و اجتماعی از اروپائی‌ها که بیشتر فرانسوی هستند نیز وجود دارند که حدوداً ۱۰۰/۰۰ نفر می‌شوند.

شیوه حکومتی این کشور پادشاهی مشروطه دمکراتیک است.

دین اسلام (مذهب مالکی) در قانونگزاری و اجرا نقش دارد.

زبان عربی زبان رسمی مغرب است و حدود سه چهارم جمعیت به آن سخن می‌گویند. لهجه‌های مختلف بربری هنوز در نواحی روستایی صحبت می‌شوند اما رونق کمتری دارند. زبان فرانسوی نیز زبان عمومی و دوم بین جمعیت شهری تحصیل کرده است. زبان اسپانیایی به عنوان زبان دوم توسط بسیاری از ساکنین شهرهای شمالی نظیر

طنجه، تطوان و العرائش صحبت می‌شود.

چندین شبکهٔ رادیویی در مغرب وجود دارند که برنامه‌های خود را به زبان‌های متعدد پخش می‌کنند، و دو شبکهٔ تلویزیونی دولتی با برنامه‌هایی به عربی، انگلیسی و فرانسوی وجود دارند، و یک کانال ماهواره‌ای که برنامه‌های خود را در شمال آفریقا و اروپا و خاورمیانه پخش می‌کند.

### پیشینهٔ زبان فارسی در مغرب

در کشور مغرب از میان زبان‌های شرقی از قبیل اردو و ترکی و عبری، زبان فارسی اهمیت بیشتری دارد و از زبان‌های مهم شرقی محسوب می‌شود که جای خود را در دانشگاه‌های مغرب باز کرده است. این زبان (به طوری که در جدول توضیح داده خواهد شد) در برخی از دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی تدریس می‌شود. تعداد دانشگاه‌های مغرب به پانزده دانشگاه می‌رسد، که از این تعداد فقط شش دانشگاه استاد زبان فارسی دارند.

دیرینگی تدریس زبان فارسی در دانشگاه مغرب به دههٔ هفتاد قرن بیستم میلادی می‌رسد. اولین دکتر زبان و ادبیات فارسی در مغرب شادروان استاد محمدبن تاویت است که دکترای خود را از کشور مصر گرفت، و موضوع رسالهٔ دکترای وی «تصحیح و تخریب چهار مقالهٔ عروضی» بود که چاپ شد. او سالیان دراز تدریس زبان فارسی را در دانشگاه تطوان برعهده داشت. شادروان استاد عبداللطیف السعدانی دومین دکتر زبان فارسی است که در کشور مغرب استخدام شد، موضوع رسالهٔ دکترای او «شمس مغربی: احوال و آثار و افکار او» بود که آن را از دانشگاه تهران (بخش دانشجویان خارجی) در سال ۱۳۴۲ گرفته بود. او نیز سال‌ها عهده‌دار آموزش زبان فارسی در دانشگاه سیدی محمدبن عبدالله در شهر فاس بود. پس از درگذشت او همسر ایرانی وی، سرکار خانم مهوش اسدی، تدریس زبان فارسی را در دانشگاه مذکور به عهده گرفت، و هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

زبان فارسی هرچند که در تاریخ گذشتهٔ مغرب و در فرهنگ و ادبیات سال‌های دور این منطقه منزلت و جایگاه خوبی نداشته است اما خوشبختانه امروزه وضع آن رو به بهتر شدن دارد. در واقع در طی روزگاران طولانی مغرب از وجود زبان فارسی محروم بوده است، ولی امروزه در این سرزمین تعداد کسانی که با زبان و ادبیات فارسی انس و

الفتی دارند در افزایش است، و نیز آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های مغرب رو به گسترش دارد به طوری که از دو دهه گذشته این زبان در مغرب از وجود استادان متخصص فارسی با درجه دکتری یا فوق‌لیسانس برخوردار بوده است، و این که شش تن از اساتید بزرگوار مغربی در دانشگاه‌های مختلف مغرب مسؤولیت آموزش زبان فارسی را به عهده دارند (اسامی اساتید و دانشگاه محل تدریسشان در جدول توضیح داده می‌شود).

### روش آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های مغرب

در دانشگاه‌های مغرب کرسی زبان فارسی یا رشته ایران‌شناسی یا شرق‌شناسی که تدریس زبان فارسی غالب دروس آن را تشکیل دهد، وجود ندارد. ولی در برخی از دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی در دو رشته زبان و ادبیات عربی و معارف اسلامی زبان فارسی تدریس می‌شود. در دوره کارشناسی رشته‌های فوق‌الذکر زبان فارسی به طور متوسط دو ساعت در هفته در دو سال آخر تحصیل آموزش داده می‌شود.

در نوع متون درسی زبان فارسی اساتید طبق صلاحدید خویش کتابی را معرفی می‌کنند که مرجع و منبع کار تدریس آنها قرار می‌گیرد. اما تا به حال سلسله کتاب‌های «آزفا» بیشتر مورد قبول و پسند استادان قرار گرفته و منبع اصلی درس آموزش زبان فارسی را تشکیل می‌دهد.

اگرچه انگیزه دانشجویان مغربی در یادگیری زبان فارسی قوی است و توجه فراوانی به این امر نشان می‌دهند، ولی این فرصت محدود به هیچ وجه کافی نیست تا دانشجویان در طی دو سالی که درس فارسی را می‌آموزند، به زبان فارسی تسلط یابند.

### فارسی آموختگان مغربی در دانشگاه تهران

زبان شیرین فارسی به دلایل گوناگون مورد توجه محققان و پژوهشگران خارجی واقع شده است، و تا به حال تعداد بیشماری از شیفتگان زبان و ادبیات ایران استعداد و علاقه‌مندی خود را در این زمینه نشان داده‌اند، و هم‌اکنون به کار آموزش و پژوهش مشغولند، و زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه‌های مختلف ایران فرامی‌گیرند.

دانشجویان مغربی به دلیل این که زبان فارسی زبان دوم اسلامی است و با فرهنگ و تمدن اسلامی پیوستگی دارد و بدون آگاهی از این زبان امکان شناخت کامل این تمدن

بزرگ میسر نمی‌گردد حضور خود را در این عرصه ادبی ثابت کرده‌اند، و از سال ۱۳۷۱ تا امروز داوطلبانه و علاقه‌مندانه و با هزینه تحصیلی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران ده نفر از دانشجویان با استعداد مغربی که مدرک برخی از آنان لیسانس ادبیات عرب یا معارف اسلامی است و برخی از آنان مدرک فوق لیسانس ادبیات عربی دارند، به منظور ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی به بخش دانشجویان خارجی دانشگاه تهران راه پیدا کرده‌اند که چند نفر از آنان مدرک فوق لیسانس در این رشته گرفته‌اند. و بقیه همچنان به فراگیری زبان و ادبیات فارسی ادامه می‌دهند، و تا سه چهار سال دیگر همه این فارسی‌آموختگان با فراگیری زبان و ادبیات فارسی در حد مطلوب به مغرب باز خواهند گشت، و در دانشگاه‌های آن جا استخدام خواهند شد.

### وضعیت آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های مغرب در آئینه آمار

سال	مقطع	تقریبی دانشجو	تعداد نام استاد	رشته تحصیلی	دانشکده	دانشگاه
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۲۰۰	حسن المازونی	زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه الحسن الأول در وجدة
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۵۰۰	دکتر اللوزانی	زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه محمدالخامس در الرباط
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۵۰۰	مهوش اسدی	زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه سیدی محمدبن عبدالله در فاس
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۳۰۰	عبدالواحد بوشداق	زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه المولی اسماعیل در مکناس
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۳۰۰	مصطفی المکتونی	زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه عبدالمالک السفندی در تطران
سال سوم و چهارم	کارشناسی	۲۰۰		زبان و ادبیات عرب + معارف اسلامی	ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه ابن طفیل در آغادیر